

سه شنبه



دانشگاه لرستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله علمی - تخصصی تاریخ

تاریخ
برایک و اسلام



چهارشنبه

مجله علمی تخصصی تاریخ ایران و اسلام

شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۳۸۸

فهرست

- ۱ بررسی تدابیر و فنون نظامی آل بویه
(دکتر محمدتقی ایمان پور، مهدی پارسی)
- ۲ باورهای دینی سلاطین غزنوی
(دکتر بشری دلریش)
- ۳ تشکیلات و مناصب دینی در ساختار دولت سلجوقی
(دکتر ناصر صدقی)
- ۴ عثمانی ها و گسترش تشیع در عراق
(دکتر سجاد دادفر)
- پيامدهای دو جریان اصولی گری و اخباری گری در سازمان روحانیت و تحولات
دوره قاجاریه.....
(دکتر جهانبخش ثواقب، سروش آزادبخت)
- ۵
تاجر روناسی و نخستین روزنامه در بروجرد
(دکتر روح الله بهرامی، محمد گودرزی)
- ۶
(دکتر روح الله بهرامی، محمد گودرزی)

بررسی تدابیر و فنون نظامی در دوره آل بویه

دکتر محمد تقی ایمان پور^۱

مهدی پارسا^۲

چکیده

در دورانی از تاریخ ایران، پس از قرن دوم هجری که چند دولت به طور هم زمان در تکاپوی افزایش قدرت و قلمرو خویش بودند، پیشرفت کار و دوام هر حکومت بیش از هر چیز به توان و تدابیر نظامی آنها در مقابل سایر مدعیان قدرت بستگی داشت. امیران آل بویه یکی از همین حکومت‌ها بودند که کار خود را با سپاهگیری آغاز کردند، در واقع نیروهای نظامی در ایجاد این حکومت نقش موثری داشتند. بنابراین بازشناسی دقیق شیوه‌ها و تدابیر جنگی حکومت آل بویه می‌تواند جنبه مهمی از تاریخ نظامی ایران را برای ما روشن کند. در پژوهش حاضر کوشش شده است تا با استناد به منابع اصلی، آرا و نظرات پژوهشگران و با استفاده از رویکرد تاریخی رایج‌ترین شیوه‌های رزمی و فنون نظامی فرماندهان آل بویه مورد بررسی دقیق قرارگیرد و نقش آنان در تطور این حکومت تبیین گردد.

واژگان کلیدی: آل بویه، دیلمیان، ترکان، منجیق، فنون نظامی بویه‌یان،

جنگ فرسایشی، برید، جاسوس.

۱ استادیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

۲ کارشناس ارشد تاریخ

عمادالدوله در بستر مرگ عضدالدوله - فرزند حسن - را به جانشینی برگزید و رکن الدوله نیز برای جلوگیری از رقابت و ایجاد اختلاف میان فرزندان در پایان عمر ولایات را به سه دسته تقسیم کرد؛ فارس، کرمان و اهواز را به عضدالدوله، اصفهان، قزوین، قم و ابهر را به مؤیدالدوله و همدان، دینور و مضافات آنرا به فخرالدوله سپرد.^{۱۸} این امر زمینه‌ای شد تا دولت آل بویه کم کم با توسعه طلبی های عضدالدوله و نارضایتی دیگر برادران و عموزادگان درگیر جنگ‌های داخلی شود. پس از عضد الدوله حکومت واحد و یکپارچه آل بویه در اثر نبردها و تعارضات دائمی امیران رو به ضعف نهاد و به سه شعبه تقسیم شد؛ در فارس پس از عمادالدوله، عضدالدوله و جانشینان او، در بغداد و خوزستان پس از معز الدوله، عزالدوله بختیار و جانشینان او و در ری، همدان و اصفهان، رکن الدوله و مؤید الدوله و سایر جانشینان او روی کار آمدند.

در نهایت شاخه ری به دست سلطان محمود غزنوی در سال ۴۲۰ هجری منقرض شد.^{۱۹} عراق را طغرل بک سلجوقی گرفت و به عمر این شاخه از دولت بویهی پایان داد.^{۲۰} در فارس نیز در سال ۴۴۸ ه. ق، فضلویه شیانکاره قیام کرد و بر آن بخش از حکومت آل بویه نیز چیره شد.^{۲۱} در هر حال هر چند که این خاندان نیز چون دیگر سلسله های ایرانی پس از اختلافات داخلی سرانجام منقرض گردید، اما تاکتیک های نظامی آنها برای سال ها همچنان در خاطرات مردم منطقه باقی ماند و مورد تقلید قرار گرفت که در زیر به آن خواهیم پرداخت.

ایجاد سد دفاعی در برابر دشمن

ایجاد سد دفاعی با استفاده از سپرهای پهناور یا ایجاد موانع باز دارنده مانند کندن خندق و ساختن برج و بارو در مقابل دشمن یکی از شیوه های اصلی و رایج خاندان بویه در جنگ مصوب می شد. در منظومه ی ویس و رامین آمده است دیلمیان در هنگام جنگ‌ها سپری پهناور مانند دیواری بلند در برابر دشمنان ایجاد می کردند.^{۲۲} در میان دیالمه رسم بود که چون پادشاه حرکت می کرد، سپری زرین با طرز خاصی در جلو او کشیده شود. وقتی جنگجویان در کنار هم پیشروی می کردند، می توانستند با سپرهای بلند خود دیواری نفوذ ناپذیر در برابر مهاجمان تشکیل دهند.^{۲۳} و سپس دشمن را با آن سپرها محصور و با زوبین به او حمله کنند.^{۲۴} ابن مسکویه

نیز می نویسد: در جنگ علی بن بویه با یاقوت به هنگام تصرف فارس، از سپاه دیلم هشت دیلمی مرد پیاده شدند و سپرهای خود را به نزدیک هم گرفته، به پیش خزیدند.^{۲۵}

امیران آل بویه در برخی شهرها، استحکامات دفاعی و باروهای در برابر حملات ناگهانی دشمنان ایجاد می کردند؛ به طور مثال در شهر ری، قصر و دارالاماره ای به این منظور ساخته شد.^{۲۶} صمصام الدوله در شیراز و رکن الدوله در اصفهان بارو کشیدند.^{۲۷} در گذرگاه‌ها و یا طول رودخانه‌ها نیز دیوارهای طولانی بنا می شد تا بدین وسیله از هجوم عناصر ناآرام جلوگیری شود. تعداد بناهای دفاعی به خصوص در اماکن کوهستانی ایران در این زمان زیاد بود.^{۲۸}

چنین بر می آید که امیران آل بویه با استفاده از سپرگیلی و زوبین دیلمی و ساختن برج و بارو و داشتن نیروهای جنگی و شجاع و دارای مهارت ذاتی توانستند در بسیاری از جنگها در مقابل دشمنان پیروز میدان گردند و دشمنان خود را شکست دهند.

جنگ فرسایشی و طولانی

یکی دیگر از شیوهای تاکتیکی جنگی در دوره آل بویه انجام جنگ‌های طولانی و فرسایشی برای به زانو در آوردن دشمن بود. آنها اغلب مدت محاصره یا درگیری را به درازا می کشاندند تا به این وسیله موجب خستگی سپاهیان دشمن شده و در نتیجه کمبود آذوقه، تجهیزات و کاهش توان رزمی موجب شکست شان شوند. با توجه به حضور نیروی عرب در سپاه آل بویه این احتمال وجود دارد که آنها این شیوه را آنها از اعراب آموخته باشند. زیرا چنان که می دانیم اعراب شتاب زده و بی موقع به دشمن حمله نمی کردند و ترجیح می دادند برای حمله به انتظار موقع مناسب بنشینند و در موقع مناسب با تمام قوا به دشمن هجوم ببرند و چون وارد جنگ می شدند از آن دست بر نمی داشتند.^{۲۹} ما شاهد هستیم که رکن الدوله از همین شیوه و از روش جنگ فرسایشی علیه رقیبان خود استفاده می کرد. این امیر در نبرد با سامانیان برای محدود کردن میدان جنگ از ری خارج شد و در طبرک با آنان جنگید. نبرد طولانی شد و بانزدیک شدن زمستان، سپاه خراسان نگران و دچار فرسودگی گردید و جبهه جنگ را رها کرد. در این زمان رکن الدوله توانست بر دشمنی که ترسیده و روحیه اش را از دست داده بود به راحتی غلبه کند.^{۳۰}

روش پیشروی آهسته از تدابیر جنگی معزالدوله در جنگ «واسطه» ، مقابل توزون بود ، در این جنگ که نوزده روز و با کوشش سخت دو طرف ادامه داشت هرروز توزون عقب نشینی می کرد و دیلمیان در یک جنگ فرسایشی که عادت آنها در چنین موقعیت‌هایی بود گام به گام پیش می رفتند.^{۳۱} وی هم چنین در سال ۳۴۵ ه. ق در نبرد با روز بهان شورشی ، سپاهیان خود را به گونه‌ای آرایش کرد که دسته‌های سپاهی به آرامی و یکی پس از دیگری به دشمن حمله می کردند.^{۳۲}

زمانی که حسام الدوله ناش برای کمک به قابوس بن وشمگیر و فخرالدوله به گرگان رفت، مؤید الدوله ناچار در شهر محصور شد و نزدیک دو ماه در آنجا صبر پیشه کرد و سپاه دیلم در هنگام محاصره پافشاری‌ها کردند و از ضربات شمشیر و فشار دشمن بر شهر نهراسیدند. چون مدت اقامت سپاه حسام الدوله ناش در گرگان طولانی و منجر به فرسودگی و ناتوانی سپاه وی گردید، لشکریان مؤید الدوله از حصار بیرون آمده و جنگ را به خارج شهر کشاندند که در نتیجه مؤید الدوله توانست با حمله بر آنان پیروز گردد.^{۳۳} بر عکس عدم استفاده از چنین تاکتیکی منجر به شکست مطهر، وزیر و سردار جنگی عضدالدوله در جنگ بطیحه گردید.^{۳۴} زیرا گفته می شود او در همه‌ی جنگ‌ها رودررو و فرز جنگیده بوده.^{۳۵} و از تاکتیک مرسوم جنگ فرسایشی کمتر استفاده می کرد. با به کارگیری این تاکتیک جنگی بسیاری از امیران و سرداران آل بویه توانستند بر رقیبان چیره و در لشکرکشی‌ها موفق تر عمل کنند و در برابر مشاهده می شود فرماندهانی که در این امر توانا نبودند اغلب باناکامی در عملیات جنگی مواجه می شدند.

محاصره

یکی دیگر از تدابیر نظامی رایج بویهیان استفاده از تاکتیک محاصره‌ی طولانی مدت دشمن و قلاع آنها بود. در واقع محاصره روشی بود که یک طرف به آن دست می زد تا با پرهیز از جنگ خونبار خواسته‌های خود را به طرف دیگر تحمیل کرده و او را وادار به تسلیم کند.^{۳۶} در واقع در این شبهه سعی می گردید بدون وارد آمدن تلفات سنگین انسانی و مادی به هر یک از طرفین درگیر جنگ ، پیروزی و مقصود لازم به دست آید. البته این پیروزی همیشه به سادگی حاصل نمی شد و آنها در بسیاری از اوقات مجبور بودند و در طول محاصره از فنون رزمی دیگری مانند

استفاده از منجنیق، فلاخن و زدن نقب به درون شهر برای تصرف آن اقدام کنند که در این صورت با تلفات سنگین انسانی و مادی برای طرفین جنگ همراه می شد. چنان که ما شاهد هستیم که بویه‌یان وقتی شهری یا قلعه‌ای را در محاصره قرار می دادند در همان حال سعی می کردند با استفاده از منجنیق و زدن نقب راهی هم برای نفوذ به قلعه یا شهر را پیدا کنند تا بتوانند در زمان مناسب بر دشمن یورش ببرند که در این صورت پایان خونباری داشت.^{۳۷}

البته این شیوه جنگی خاص بویه‌یان نبود و فن محاصره در میان همه ملل از جمله ایران رایج بود و در زمان ساسانیان توسعه یافت.^{۳۸} ساسانیان با استفاده از این شیوه نظامی توانستند بسیاری از شهرها و دژهای دشمن را تسخیر کنند.^{۳۹} آنان با به کارگیری این تدبیر، ابتدا تمام قشون دشمن را دور زده و آنها را در حلقه‌ای کامل از محاصره قرار می دادند تا راه فراری برای آنان باقی نماند و بعد حمله را آغاز می کردند یا اگر دشمن به قلعه پناه می برد سعی می کردند آن قلعه را محاصره و سپس از راه جنگ و ضربات قاطع و با استفاده از تمامی فنون لازم و به کارگیری ادوات جنگی؛ مانند منجنیق، نقب و حيله به درون قلعه نفوذ و دشمن را مغلوب کنند.^{۴۰}

در دوره‌ی آل بویه این تدبیر جنگی یعنی محاصره و دور زدن دشمن و یا محاصره طولانی مدت آنان در درون شهرها یا قلاع به فراخور نیاز استفاده می شد. آنها در جنگهای رو در رو اغلب دشمن را میان سپرهای خود محصور و با زوبین به او حمله می کردند و برای توسعه عملیات، سواره نظام به آنان کمک می نمود.^{۴۱} یا عضدالدوله، هنگام کمک به عزالدوله بختیار که گرفتار ترکان بغداد شده بود نصیب گرفت این شهر را از دو طرف در محاصره قرار دهد. وی برای این منظور و پس از تهیه نقشه‌ی حمله، سپاهیان را دو قسمت کرد، جمعی تحت اختیار عزالدوله، بغداد را از جانب غربی محاصره و تحت حمله قرار دادند و عده‌ای از طرف مشرق پیشروی کردند. خلیفه، اگر چه همراه با ترکان چند روزی مقاومت نمود اما چون دیلمیان محاصره را از هر طرف بر سپاه او تنگ کردند، فتح نصیب عضدالدوله شد.^{۴۲}

به علاوه هنگامی که دشمن به درون قلعه یا حصار پناه می برد، آنها برای مدت طولانی دشمن را در درون قلعه محاصره و برای نفوذ به شهر از وسیله‌ای برای پرتاب سنگ به نام منجنیق استفاده می شد که دارای یک بازوی چوبی بود که انتهای آن به طناب‌های پیچ خورده‌ای اتصال داشت. بازو را به طرف پایین می کشیدند و در داخل محفظه‌ی مخصوص یا فلاختی که در سر تیز بازو قرار

داشت، یک سنگ قرار می دادند. زمانی که بازو، رها می شد، پیچ طناب ها باز و بازو به سرعت به طرف بالا تاب بر می داشت و در اثر این حرکت، سنگ به مسافت دوری پرتاب می شد که در صورت اصابت به دیوار شهر یا قلعه باعث ایجاد شکاف در آن و باز شدن منفذ برای ورود به آنجا می گردید.^{۳۳} به دیگر سخن شیوه بهره گیری از منجنیق، یک شیوهی حصارگشایی متحرک بود که در محاصرهی شهرها، قلعه ها و دژها و از طریق پرتاب سنگ، تیر، مواد منفجره و عقرب به درون استحکامات دشمن به وسیله آن انجام می شد.^{۳۴} در سال ۳۴۴ ه. ق، زمانی که امیر نوح بن منصور سامانی، سپاهی را به ری فرستاد، رکن الدوله از معزالدوله یاری خواست. این امیر بویهی هم، سبکتکین حاجب با سپاهی مجهز به عراده و منجنیق به یاری برادر گسیل کرد^{۳۵} یا چنانکه گزارش شده است ابوالفضل بن عمید، وزیر رکن الدوله، جنگ افزارهای شگفت آوری برای حصارگیری اختراع کرد که در محاصرهی دژهای استوار از راه دور با پرتاب سنگ های بزرگ اردوگاه دشمن را می شکافت.^{۳۶}

بر عکس اگر بویهیان خود در محاصره دشمن قرار می گرفتند سعی می کردند که با استفاده از منجنیق و و پرتاب آن از درون قلعه و به درون سپاه دشمن در خارج از قلعه به آنها آسیب برسانند. چنانکه در یکی از جنگ ها، ابوالوقا، یکی از فرماندهان عضدالدوله، در حالی که از درون قلعه ای به دفاع برخاسته بود با منجنیق به طرف مهاجمان سنگ پرتاب می کرد. در هر حال به نظر می رسد که سرداران و فرماندهان آل بویه با به کارگیری این تدبیر نظامی که تا حدود زیادی برگرفته از دوران باستان و پادشاهان ساسانی بود به همراه سایر فنون جدید جنگی در تلاش بودند تا به شیوه ای آسان و با کم ترین خسارت و تلفات نیروی انسانی و به کارگیری حداقل تجهیزات در نبردها پیروز شوند.

حفر نقب و خندق

یکی دیگر از فنون نظامی بویهیان، نقب زدن برای دسترسی به دشمن در دوران استحکامات و یا کندن خندق برای عدم دسترسی دشمن به درون قلاع و شهرهای آنها بود که در عصر ساسانی نیز بسیار مرسوم بوده است و سپاهیان ایرانی همواره در این امر تبحر و مهارت خاصی داشتند.^{۳۷}

نقب زنی که در عصر خلفای عباسی نیز به عنوان یک شیوه رایج مورداستفاده قرار گرفت، در دوره آل بویه از روی قواعد ریاضی و توسط مهندسان کار آزموده به شیوه‌ای جدیدتر انجام می‌گرفت.^{۴۸} آنها نقب را از روی حساب طوری می‌زدند که از وسط ارگ یا محل دیگری که می‌خواستند سر در می‌آورد. استفاده از این روش بیشتر در زمان محاصره‌ی دشمن انجام می‌شد.^{۴۹} امیران بویهی این تدبیر جنگی را برای تخریب قسمتی از دیوار قلعه یا یکی از برج‌های دشمن نیز به کار می‌بردند. در این مورد نقب را تا زیر دیوار یا برج می‌بردند و به تدریج با خاکبرداری چوب‌های کوتاهی زیر آن قرار می‌دادند و چون زیر دیوار یا برج به کلی خالی می‌شد، هنگامی که چوب‌های زیر آن را آتش می‌زدند، دیوار یا برج فرو می‌ریخت.^{۵۰}

اما حفر خندق - که ظاهراً اولین بار در صدر اسلام و توسط سلمان فارسی مورد استفاده قرار گرفت و سلیمان بن عبدالملک اموی نیز از آن بهره برد^{۵۱} - برای جلوگیری و در امان ماندن از حملات احتمالی دشمنان یک فن دفاعی رایج در دوره‌ی بویهان بود.

در این دوران هنگام جنگ در محل‌هایی که سپاهیان استراحت می‌کردند برای محفوظ ماندن از غافلگیری در برابر دشمنان دیده بان قرار می‌دادند و در اطراف خود خندق‌های موقتی می‌کنند و اغلب سعی می‌کردند تنه‌های بزرگ پر شاخ و برگ درختان را در زمین کار بگذارند.^{۵۲} بویهان از روش استحکامات ثابت از جمله کندن خندق پیرامون شهرها نیز بهره می‌بردند. می‌توان دریافت امیران و سرداران بویهی از تدبیر جنگی حفر نقب و خندق در همان چارچوب و شیوه‌های گذشته و با کوشش در ترمیم و بهبود آن در مواقع ضرورت به کار می‌گرفتند.

حیله‌ی نظامی و جنگ روانی

یکی از مهم‌ترین تدابیر جنگی که در ایران قرون نخستین اسلامی کاربرد داشت حیله‌ی نظامی بود. استفاده‌ی به موقع آن در هنگام نبرد، مفید و موجب پیروزی سپاهیان می‌شد، این فنون اگر چه از قبل وجود داشت ولی امیران و سرداران بویهی با استعداد و زیرکی نظامی و با توجه به شرایط از آن استفاده کرده، آن را با شیوه‌های جدیدتری به کار می‌بستند که نقش مهمی در پیروزی‌های آنها بر رقیبان داشت.

از جمله این حیل‌های جنگی، نشر اخبار و اعمال وحشت آور و تحریک آمیز بود که سبب می‌شد دشمن روحیه‌اش را از دست بدهد.^{۵۴} در دوره‌ی آل بویه، پرتاب کوزه‌های پر از عقرب و دیگر گزندگان به درون گروه‌ها و دژهای دشمن یا پرتاب سنگ‌های آتشین آغشته به نفت و به همراه آوردن فیل و سایر حیوانات وحشی در راستای ایجاد ترس در دل دشمنان بود.^{۵۵}

شیوه‌ی جنگ و گریز نیز حیل‌های نظامی دیگری بود که به ضرورت در هنگام نبرد از آن استفاده می‌شد. این حربه را ابومنصور فولادستون پسر ابوکالیجار در جنگ با برادرش ابوسعید به کار گرفته بود.^{۵۶} گاهی اوقات سپاهیان در ظاهر اقدام به فرار می‌کردند تا به این وسیله فاتح را به تعقیب عجولانه و بدون احتیاط کافی وادار کنند و او را به کمینگاه خود بکشانند و غافلگیر و در نهایت شکست دهند. این عمل بیشتر در کوهستان‌های شرقی ایران انجام می‌شد.^{۵۷} آنها در زمان عقب نشینی نیز پشت سر خود در سر راه دشمن سیخ‌های نوک تیز آهنین در زمین فرو می‌کردند تا مانع عبور سریع دشمن شوند.^{۵۸}

علی عمادالدوله سپاهیان را که مرداویج علیه او به کرج فرستاده بود با حیل‌های نظامی و تطمیع از مرداویج ترسانند، سپس آنها را با پول به طرف خود جذب کرد. زمانی که مرداویج سپاهی به سرکردگی وشمگیر برای دفع علی به طرف اصفهان روانه کرده بود چون علی در خود توان مقابله با سپاهیان تازه نفس وشمگیر را ندید بدون جنگ خواستار صلح شد و به ارجان فارس عقب نشست.^{۵۹} وی با شیوه‌ای خاص برای دریافت منشور سلطانی، فرستاده‌ی خلیفه را فریب داد و آن را در جمع مردم خواند و سپس از دادن مال و وعده‌های داده شده طفره رفت.^{۶۰}

این امیر در سال ۳۳۴ ه.ق زمانی که علی بن محتاج از طرف امیر نوح سامانی به ری حمله کرده بود، آنجا را به او واگذار کرد و در همان حال نامه‌ای به امیر نوح نامه‌ای نوشت و یادآوری کرد که ری برای تو فایده نداشته و هزینه سنگینی برای تو در بر خواهد داشت. از وی خواست تا آن را در مقابل دریافت یکصد هزار دینار به او واگذار کند و یکی از افرادش را برای امضای پیمان نزد او بفرست. از طرفی نامه‌ای به ابن محتاج فرستاد و آمدن قاصد امیر نوح را به او اطلاع داد و او را از امیر سامانی ترسانند. ابن محتاج نیز به همراه ابراهیم بن احمد، عموی امیر نوح به مبارزه با امیر سامانی برخاست و او را شکست داد. پس علی عمادالدوله تنها با یک حیل‌های نظامی از شر دو دشمن رهایی پیدا کرد. هم چنین وی در صورت لزوم، گروگان‌هایی را نزد دشمنان و

رقیبان می‌فرستاد تا از حساسیت آنان نسبت به خود و بروز جنگ جلوگیری کند. به طوری که چون خبر ورود سپاه مرداویج را به خوزستان را شنید در مقام آشتی با او برآمد و برادرش، حسن را به عنوان گروگان نزد او فرستاد.^{۶۱}

رکن الدوله نیز از این تدبیر جنگی بهره می‌گرفت. در سال ۳۵۵ ه.ق و در روزگار منصور بن نوح سامانی گروه عظیمی نزدیک به بیست هزار تن از غازیان خراسان به قصد جنگ به طرف ری آمدند و خواستار خراج تمام جبال شدند. چون این خبر به رکن الدوله رسید، مدتی با آنان مدارا کرد. ولی مهاجمان که به خواسته‌هایشان نرسیده بودند، دیلمیان را لعن کردند. در نتیجه زد و خورد آغاز شد. در این هنگام رکن الدوله حیلای نظامی اندیشید و وانمود کرد لشکری کمکی برای یاری او در راه است و از سویی برخی فرماندهان خراسانی را با وعده‌ی مال به طرف خود متمایل کرد و با این مقدمه و ترفند، خراسانیان را شکست داد.^{۶۲}

احمد معزالدوله در استفاده از حیلای نظامی و جنگ روانی سرآمد بود. او به روش دیلمیان، چادرهایی را به نشانه‌ی پیروزی و ادامه‌ی جنگ بر پا می‌کرد تا روحیه‌ی دشمن را تضعیف و قوای دیلمیان را تقویت کند. ابن مسکویه در این باره می‌نویسد: «امیر ابوالحسین بویه، گله‌ای بزرگ از چارپایان و شتران به همراه می‌برد، هنگامی که راه می‌پیمود گله را میان خود و دجله روان می‌داشت، چادری نیز به رسم دیلمیان همراه می‌برد که بر پا بودن آن نشانه‌ی جنگ و برکنده بودنش نشان‌گریز بود.»^{۶۳} در سال ۳۴۴ ه.ق معزالدوله پس از تسلط بر بغداد و خلع مستکفی و بر تخت نشاندن المطیع‌الله، حیلای بکار برد و شب هنگام با دیلمیان سپاه به راه افتاد و با بوق و طبل در کشتی‌ها نشستند و در چند نقطه از خیابان‌های بغداد پیاده شدند. این اقدام موجب ترس بنی حمدان و بیرون رفتن آنها از آنجا شد.^{۶۴}

در نبردی که با ناصر الدوله حمدانی، حاکم موصل انجام داد، چون سپاهش دچار سختی و کمبود غذا شدند، حیلای در پیش گرفت و گذرگاه‌ها را مرتب و دسته‌های لشکری را در آنجا گمارد و به وزیرش ابوجعفر صیمری دستور داد که با عده‌ای از رود عبور کنند و خودش با بقیه‌ی سپاه تظاهر کرد به سوی قطربل می‌رود تا از آنجا بگذرد. سپس شبانه لشکر کشید و کنار رود دجله را پیمود و سپاهیان ناصرالدوله مانع عبور او نشدند، از طرفی صیمری و سپاهیان هم به راحتی از رود گذشتند و با این شیوه بر ناصر الدوله پیروز شد.^{۶۵} وی در سال ۳۴۵ ه.ق در نبرد با روزبهان

دیلمی توانست دوستی و نزدیکی اش را با ننگهبانان دیلمی حفظ و آنها را به هنگام تهدید حمدانیان در موصل حمایت کند. بدین گونه بر سر راه پلی که نقطه‌ی مهمی به شمار می‌رفت، ننگهبانانی قرار داد تا از فرار دیلمیانی که حقوق شان متوقف شده بود جلوگیری نماید.^{۶۶}

عضدالدوله نیز در زیرکی نظامی معروف بود و در به کارگیری آن تبحر داشت. وی همواره بر جزئیات امور دولت و سپاه نظارت می‌کرد و مراقب رفتار و اعمال فرماندهان سپاهش بود و هر گونه سرکشی را به شدت پاسخ می‌داد. به دلیل همین نافرمانی‌ها، گورگیر بن جستان را بعد از فتح کرمان کنار گذاشت. این امیر برای تثبیت قدرت و ترس دشمنان نیز اقدامات هولناکی انجام می‌داد، به طوری که دستور داد تا ابن بقیه، وزیر عزالدوله، را لگدکوب پیلان کنند. اقدام او در گماردن سرکرده‌ای جداگانه برای دیلمیان و ترکان سپاه که کار رسیدگی به امور و نظارت بر آنان را عهده دار بود، مبنی بر احتیاط زیرکانه‌ی این امیر برای جلوگیری از شورش‌ها بود.^{۶۷}

عضدالدوله با مقاومت‌های پدرش رکن الدوله برای برکناری عزالدوله، به ناچار عراق را ترک کرد. این اقدام او یک عقب نشینی موقت بود. زیرا به محض درگذشت رکن الدوله، بار دیگر تصمیم به فتح عراق گرفت.^{۶۸} برای تصرف بغداد از جنگ عزالدوله نیز حيله‌ی نظامی به کار بست. به طوری که از یک طرف عزالدوله را به تنبیه سرداران و سپاهیان دعوت کرد و از سوی ترکان و سرداران سپاه را برای دریافت مقرری و مواجب به شورش تحریک کرد. بدین ترتیب در ولایات عزالدوله آشوبی به سود خود برپا کرد و عراق را از عزالدوله گرفت.^{۶۹}

عضدالدوله با اعزام عده‌ای از سربازان خود به عنوان پناهنده به دارالحکومه «البیس» بهانه‌ی هجوم به آنجا را به دست آورد. پس از حمله‌ی وی به آنجا و با یک هماهنگی از پیش مشخص شده سربازان پناهنده، البیس را ترک کردند و به عضدالدوله پیوستند. این امر باعث شد در رمضان ۳۵۷ ق این امیر بدون دشواری و مقاومت وارد کرمان شود و آنجا را تصرف کند.^{۷۰} وی در مواقع لزوم به صلح موقتی دست می‌زد. مثلاً پس از شکست وزیرش مطهر از حسن بن عمران حاکم بطیحه، ابوالعلی را که یک فرد مسیحی بود برای پایان دادن به جنگ و انعقاد پیمان صلح نزد حسن فرستاد و ادامه‌ی جنگ را به زمان دیگری موکول کرد.^{۷۱} وزیر ابوالفتح ابن عمید، نیز در به کارگیری حيله‌ی جنگی مهارت داشت. وی در سال ۳۶۳ ق برای سرکوب شورشی که بر ضد آل بویه ایجاد شده بود همراه عضدالدوله به عراق رفت و نقشی دو جانبه را بازی کرد. از یک سو به

عنوان مأمور مخفی عضدالدوله، با مأموریت ترغیب امیرالأمرا به منظور موافقت با عزل عزالدوله به ری رفت و در آنجا موفق شد اختلاف میان عزالدوله و عضدالدوله را مرتفع کند و از سویی زمینه را برای ایجاد روابط نزدیک با عزالدوله و خلیفه آماده ساخته و اندیشه‌ی رفتن به بغداد و به دست گرفتن وزارت عزالدوله را نیز در سر پیرواراند. همین تلاش‌های او باعث شد تا عراق استقلال ظاهری خود را حفظ کند.^{۷۳}

مطهر وزیر و یکی از سرداران او نیز در مواجهه با دشمن سعی در وارد کردن ضربات نهایی و قطعی به آنان داشتند. آنان در نبرد با حسن بن عمران حاکم بطیحه تلاش کردند جنگ را به فضایی باز بکشانند تا به راحتی و در یک میدان وسیع و با کارآیی نظامی بالا بتوانند دشمن را از پای درآورده و به او فرصت تفکر و فرار ندهند.^{۷۴}

فخرالدوله نیز در سال ۳۷۳ ه.ق برای از پیش برداشتن علی کامه از سرداران آل بویه به حيله متوسل شد و چون می‌دانست که به سبب جلالت و قدرت بر او دست نخواهد یافت، تدبیری به کار برد و او را مسموم کرد. وزیرش، صاحب بن عباد، نیز در سال ۳۷۷ ه.ق اموال حاکم طبرستان را با حيله ضبط کرد.^{۷۵}

دادن رشوه به فرماندهان سپاه هم از دیگر حيله‌های جنگی رایج در زمان بویه‌یان بود. در نبرد مؤیدالدوله و عضدالدوله با فخرالدوله و قابوس بن وشمگیر و امیرنوح بن منصور سامانی، زمانی که امیر سامانی، امیر تاش و فاتق را به کمک فخرالدوله فرستاد، مؤیدالدوله که توان مقابله با آنها را نداشت، از صاحب بن عباد کمک گرفت. این وزیر که می‌دانست با جنگ نمی‌تواند بر چنین نیروی عظیمی پیروز شود لذا صدد فریب فرماندهان سپاه مقابل برآمد. او دویست هزار منقال طلا برای فاتق فرستاد تا در روز جنگ موجبات شکست سپاهیان دشمن را فراهم آورد.^{۷۶} بدین گونه در آن روز سپاهیان فخرالدوله پشت به جنگ کردند و نزد عضدالدوله رفتند.^{۷۷}

در جنگ صمصام‌الدوله و بهاء‌الدوله نیز فولاد زماندار، فرمانده سپاه صمصام‌الدوله، با حيله نظامی جمعی از سربازان بهاء‌الدوله را کشت. ترفند او این بود که تعدادی از شترهای سپاه را بدون مراقبت رها ساخت. ترک‌های لشکر بهاء‌الدوله به امید کسب آن شترها از پل گذشتند ولی به محض عبور عده‌ای از نیروهای صمصام‌الدوله که در پشت تپه‌ها پنهان شده بودند بر آنها حمله کردند و سپاه بهاء‌الدوله را شکست دادند.^{۷۸} یا بر عکس بهاء‌الدوله برای ترساندن دشمنان، شدت

عمل نشان می‌داد. زمانی که سپاهیان، سر صمصام الدوله را کتندند، این امیر پوست غلامانی که این کار را کرده بودند، کند و آنان را بر دار زد و دستور داد تا به لشکریان خبر دهند این سزای کسی است که بر امیرش دست درازی کند.^{۷۸}

خوش رفتاری با اسیران جنگی نیز از جمله زیرکی‌های نظامی بویه‌یان بود چنان که فوراً آنها را به خدمت می‌گرفتند. علی در نبرد با یاقوت به اسیران نیکی و آنان را آزاد کرد. این اسیران هم بلافاصله به جمع سپاهیان او ملحق شدند.^{۷۹} حسن رکن الدوله نیز اسیران سامانی را از خراسان تحت مراقبت‌های ویژه به خانه‌هایشان فرستاد.^{۸۰} معز الدوله در سال ۳۵۵ ه.ق، نافع غلام این وجیه که عمان را پس از او بدست آورده بود و در آنجا به خدمت او رسیده بود مورد احسان و نیکی قرار داد به گونه‌ای که نافع تصمیم گرفت نزد این امیر باقی بماند.^{۸۱}

جذب سپاهیان و سرداران دشمن با شیوه‌های گوناگون - نیکی، رشوه، حيله و تهدید - همان گونه که قبلاً اشاره شد، برای تشکیل سپاه و حکومت و پیروزی در جنگ‌ها از تدابیر نظامی موثر امیران بویه‌ی در این زمینه بود. به نظر می‌رسد حيله‌ی نظامی و جنگ روانی یکی از فنون پرکاربرد فرماندهان و سرداران آل بویه بود که تاثیر بسیاری در امور سپاهی آنان داشت، به طوری که آنها سعی می‌کردند تا این شیوه را به تناسب نیاز و ضرورت زمان مثرتر کنند.

جاسوسی

استفاده از سیستم برید (خبر رسانی) و جاسوسی جهت آگاهی از اوضاع کشور و توانمندی‌های دشمن از دیگر روش‌هایی بود که آل بویه برای غلبه بر دشمن در هنگام جنگ به کار می‌گرفتند. این تدبیر نظامی، تاثیر مهمی در امر لشکرکشی سپاهیان و نحوه‌ی آرایش جنگی آنها می‌گذاشت.

در زمان آل بویه دیوان برید اهمیت زیادی داشت و از کارآیی بالا و فعالیتی چشمگیر برخوردار بود و همواره پیک‌های دوندۀ‌ای با حقوق گزاف آماده خدمت بودند.^{۸۲} این دیوان در ارتباط میان شاخه‌های سه گانه عراق، جبال، ری و فارس این خاندان نقش مهمی داشت. خاندان آل بویه در کنار دیوان برید و از طریق جاسوسان آن از اخبار سپاه دشمن و همسایگان و کارگزاران حکومتی مطلع می‌شدند تا هیچ اموری از چشم آنان مخفی نماند.^{۸۳}

در این زمان، دیوان برید و تلاش و مراقبت دائمی منهبان و جاسوسان در رساندن اطلاعات نظامی، سیاسی و مالی نقش به سزایی در تثبیت و تحکیم قدرت مرکزی داشت. امرا و سلاطین ایران با پیروی از روش سیاستمداران بزرگ ایرانی برای آنکه در برابر دشمنان غافلگیر نشوند، در کنار دیوان برید که بصورت علنی امور مربوط به حمل و نقل نامه‌ها و اخبار مملکتی و گماشتن پیک‌ها در راه‌ها بر عهده داشتند همواره تعدادی دختر و پسر مستعد و زیرک را تربیت و به نقاط مختلف به نام منهبی و مشرف گسیل می‌کردند تا علاوه بر کسب خبر و اطلاع از اوضاع کلی کشور و احياناً خطرات پیش رو، بر فعالیت‌های استانداران و مأموران، اعمال نیک و بد آنان نظارت و مشکلات پیش رو را در کوتاه‌ترین مدت به حکومت مرکزی اطلاع دهند.^{۸۶}

علاوه بر آن وظیفه‌ی مهم جاسوسان و پست‌های اطلاعاتی این بود در صورت مواجهه ناگهانی سپاهیان با دشمن و احتمال درگیری نظامی، برای روشن شدن موقعیت به جست و جو پردازند و تلاش کنند تا از شکست احتمالی جلوگیری شده موجبات پیروزی نیروهای خودی فراهم شود.^{۸۷} خواجه نظام الملک در اهمیت دیوان برید و جاسوسی بیان می‌کند که همواره باید پیک‌هایی به طور منظم در اختیار داشت تا اخبار را از راه‌ها و نقاط دور بیاورند و افرادی هم بر کار آنها نظارت کنند و وی سلجوقیان را به خاطر عدم پیروی از آل بسویه در این خصوص مورد انتقاد قرار می‌دهد.^{۸۸} در آن دوران شرط بود جاسوسی که به مأموریت می‌رود آهسته و آرام انجام وظیفه کند و اسب‌های تیز و آزموده داشته باشد و چنان میان لشکریان خودی و دشمن تردد کند که کسی متوجه آنان نشده و حساسیتی ایجاد نشود.^{۸۹} امیران بزرگ بویه، مردان کارآزموده و مطمئنی را به عنوان خیرگزار یا منهبی به شهرها و نواحی اطراف گسیل می‌کردند.^{۹۰}

علی عمادالدوله هنگامی که خواست ری را به طرف کرج ترک کند، پرده دار خود، احمد پدر ابواسحاق طبری را در دربار و شمشگیر زیاری باقی گذاشت تا گزارش همکاری و توطئه‌های احتمالی این امیر زیاری با مرداویج را به او خبر دهد.^{۹۱} در زمان معزالدوله نیز دیوان برید و اخبار نظم و نسق خاصی داشت. او اولین فرد از این خاندان بود که به سبب سرعت بخشیدن به تبادل اطلاعات و اخبار با برادرش، رکن الدوله، نظام چاپاری را به راه انداخت. فضل و مرعوش دو پیک بسیار سریع زمان او بودند که روزانه چندین فرسخ را طی می‌کردند و حقوق گزافی می‌گرفتند.^{۹۲}

عبدالدوله نیز در تمام امور مملکت دستگاه خبررسانی، جاسوسان و بازرسان دقیق و منظم داشت.^{۴۱} دیوان برید در آن زمان از نظم بی سابقه و سرعت عمل زیادی برخوردار بود. وی به نامه‌های حکام کشورهای اطراف نیز رسیدگی می‌کرد و منشی مخصوصی تصمیم او را درباره‌ی هر یک از گزارش‌ها می‌نوشت.^{۴۲}

این امیر به قدری به امور پست توجه داشت که اگر اخبار به موقع نمی‌رسید علت تأخیر را می‌پرسید و در صورت موجه نبودن، متصدیان مربوط را تنبیه می‌کرد، لذا مردم همواره مراقب کار خود بودند و جاده‌ها هم از وجود راهزنان پاک شد.^{۴۳} با این نظارت دقیق، چنان دستگاه پستی به وجود آورد که نامه‌های ارسالی از شیراز به بغداد، فاصله‌ای حدود نهمصد کیلومتر را در مدت هفت روز طی می‌کردند. او حتی از کیوتران نامه بر به منظور رساندن پیام‌های محرمانه بهره می‌برد.^{۴۴} علاوه بر جاسوسانی که در خدمت سلطان بودند، خبررسانان دیگری نیز از سوی وزیران و روسای دیوان‌ها فعالیت می‌کردند که هر یک از آنها، دیگری را تحت نظر داشتند. وجود چنین جریانی در آن زمان که هر مقامی دشمن بالقوه‌ی دیگری بود، طبیعی به نظر می‌رسید. چنان که سبکتکین، فرمانده کل قوای بختیار، جاسوساتی در سپاه و قصر عبدالدوله بختیار داشت که در میان نزدیکان و یاران او به خیر چینی مشغول بودند.^{۴۵}

عبدالدوله در قلمرو همسایگانی مانند فاطمیان، جاسوسانی گمارده بود^{۴۶} و در دستگاه عبدالدوله بختیار نیز جاسوسی داشت که او را از روابط ابوالفضل بن عمید، وزیر و عبدالدوله بختیار، پسر عمو آگاه می‌کرد.^{۴۷} صاحب بن عباد، وزیر موید الدوله و فخر الدوله نیز جاسوسان بسیاری در دربار مخالفان و همسایگان داشت که اخبار مملکت را مرتب برای او می‌فرستادند. در جنگ با سامانیان از طریق آنها از کم و کیف سپاه سامانی آگاه شد.^{۴۸} وی از یک جاسوس درباره‌ی وضع سپاه دشمن پرس و جو کرد و از تعداد پیران لشکر پرسید. او گفت: پیران با تجربه در سپاه حاضر نیستند ولی تجهیزات جنگی و نیروی آنان بسیار است. صاحب هم در جواب گفت: «من از پیران رای زن می‌ترسم نه از پیلان تیغ»^{۴۹}

همان گونه که معلوم شد استفاده از جاسوس و داشتن دستگاه منظم خبررسانی، یکی از فنون نظامی مهم امیران و سرداران آل بویه محسوب می‌شد. آنها همواره می‌کوشیدند تا با بهره‌گیری از این روش و تربیت و گماردن افرادی بدین منظور، چه در زمان آموزش سپاهیان و چه در هنگام

آرایش جنگی و لشکرکشی و چه در میدان جنگ، تغییر و تحولاتی متناسب با آن جنگ در برابر دشمنان و در راستای کسب موفقیت بهتر و سریع تر و جلوگیری از غافلگیری و ضربات احتمالی ایجاد کنند. ضمن آنکه بدین شیوه تلاش می کردند تا حد امکان خود و حکومتشان را از شر دشمنان و شورش های احتمالی در امان نگه دارند، گر چه نباید از یاد برد که این تدبیر جنگی، تنها در زمان پادشاهان و فرماندهان لایق و قوی کارآیی داشت و در اواخر دوران این حکومت که امیران درگیر جنگ ها و اختلافات خانوادگی شدند، این امر مهم نقش کم رنگ تری ایفا کرد.

نتیجه

بویهیان از جمله حکومتگرانی بودند که با استفاده از فنون جنگی مناسب توانستند در جنگها از موفقیت های زیادی برخوردار گردند. در این دوره علاوه بر به کارگیری روش های جنگی مرسوم در ایران باستان چون استفاده از شیوه محاصره، اصل غافلگیری، ایجاد برج و باروی دفاعی، سنگر سازی و منجنیق... و استفاده از تجربیات نظامی پیشین، از ابتکارات، مهارت ها و تاکتیک های مناسب با توجه شرایط بهره می گرفتند که منجر به پیروزی آنان گردید.

بویهیان سعی می کردند که ضمن استفاده از تجربیات نظامی پیشین و انجام امور و فنون جنگی از روی قواعد هندسی و ریاضی و کسب آموزش های لازم برای انجام آنها از تدابیر و ابتکارات سیاسی و نظامی فرماندهان و سرداران مبتکر نظامی خود بهره گیرند که بسیار موفقیت آمیز و ثمربخش بود. به دیگر سخن، در این دوران با به کارگیری تدابیر نظامی جدید و مناسب و تاکتیک های لازم، امیران مبتکر و باکیاست این سلسله توانستند موفقیت های نظامی بسیار به دست آورند.

هر چند که نخستین امیران و سرداران بویهی با به کارگیری شیوه ها و آرایش نظامی منسجم و رعایت تمام جوانب احتیاط و استفاده از ابتکارات جدید اغلب پیروز میدان جنگ بودند، اما در اواخر دوران این حکومت به دلیل بروز مشکلاتی چون اختلافات سپاهیان ترک و دیلم و ضعف و ناکارآمدی امیران آنها، آشفتگی فراوانی در استفاده از توانمندی سرداران و تاکتیک های فوق الذکر پدید آمد که باعث شکست های پی در پی و از هم پاشیدگی فرمانروایی بویهیان شد.

- ۱۲- ابن طباطبای، محمد بن علی، تاریخ فخری، ترجمه ی محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰
- ۱۳- بناکتی، روضه اولی الالباب فی المعرفه التواریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۲۰.
- ۱۴- گمنام، مجمل التواریخ والقصص، به تصحیح ملک الشعراء بهار و به همت محمد رمضان، چاپخانه خاور، تهران، ۱۳۱۸، ص ۳۹۰.
- ۱۵- همدانی، پیشین، ص ۱۹۰؛ میرخواند، پیشین، ص ۶۱۴؛ ابن اسفندیار، پیشین، صص ۲۹۸-۲۹۹
- ۱۶- ابن مسکویه، پیشین، ص ۴۶۴.
- ۱۷- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و المعادن الجوهرة، ترجمه ی ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۷۳۹.
- ۱۸- جرفادقانی، پیشین، ص ۴۸
- ۱۹- مستوفی قزوینی حمدا...، تاریخ گزیده، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۱، ص ۴۲۷.
- ۲۰- بناکتی، پیشین، ص ۲۲۳.
- ۲۱- غفاری قزوینی، تاریخ جهان آرا، کتابفروشی حافظ، تهران، ۱۳۴۳، ص ۸۰
- ۲۲- اسعد گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، به اهتمام محمد جعفر محبوب، بنگاه نشر اندیشه، تهران، ۱۳۳۷، ص ۳۶۹.
- ۲۳- فرای، رن، تاریخ ایران کمبریج (از اسلام تا سلاجقه)، ترجمه ی حسن انوشه، جلد ۴، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۱۸؛ ولادیمیرونا، استروپوالودمیلا، تاریخ اسماعیلیان در ایران از سده های ۷ تا ۷ هجری، ترجمه ی پروین متزوی، اشاره، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۴۳.
- ۲۴- مینورسکی، ولادیمیر، فرمانروایی و قلمرو دیلمیان، ترجمه ی جهانگیر قائم مقامی، بررسی های تاریخی، ۲، ۱، ۱۳۴۶، ص ۲۰۲.
- ۲۵- ابن مسکویه، پیشین، ص ۳۹۶.
- ۲۶- کریمان، حسین، ری باستان، جلد ۱، دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۴۵، ص ۳۵۳.

پی نوشت ها و ارجاعات :

- ۱- ابن اسفندیار، بهاءالدوله محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال، جلد اول، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۰، ص ۱۳۹
- ۲- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالك الممالک، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۶۸.
- ۳- گمنام، حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۹۷.
- ۴- پیرنیا، حسن، ایران باستان، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۹۲.
- ۵- کرمر، جونل، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه‌ی محمد سعید حنایی کاشانی مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۹
- ۶- جرفادقانی، ابو الشرف ناصح بن ظفر، ترجمه تاریخ یمنی، به اهتمام جعفر شعار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۵، ص ۵۱
- ۷- فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان یا نموداری از زندگی مردم آن عصر، صبا، گیلان، ۱۳۶۵، ص ۸۸
- ۸- باسورث، کلیفورد ادموند، تاریخ غزنویان، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۰۹.
- ۹- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی، روضه الصفیاء، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، ج ۴، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۱۲.
- ۱۰- ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمه‌ی علینقی منزوی، جلد ۵ و ۶، طوس، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۷۲؛ ابن العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، ترجمه مختصرالدول، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور و حشمت ... ریاضی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۲۶؛ همدانی، خواجه رشیدالدین فضل، جامع التواریخ، به اهتمام احمد آتش، جلد ۱، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۷۲.
- ۱۱- فقیهی، ص ۹۹.

- ۲۷- مستوفی قزوینی، حمدا... بن ابی بکر بن محمد بن نصر، نزهت القلوب، ترجمه‌ی محمد دبیر سیاقی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۳۶، صص ۵۲ و ۱۲۷.
- ۲۸- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه‌ی جواد فلاطوری، (جلد اول) و جلد دوم، (ترجمه‌ی مریم میر احمدی)، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹، صص ۳۸۷ و ۳۸۹.
- ۲۹- امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه‌ی فخرداعی گیلانی، گنجینه، تهران، ۱۴۰۱ ق، صص ۴۲۷-۴۲۸.
- ۳۰- ابن مسکویه، پیشین ج ۶ ص ۱۹۷.
- ۳۱- ابن مسکویه، پیشین ج ۵، ص ۸۱.
- ۳۲- ابن اثیر، عزالدین علی، کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه‌ی عباس خلیلی، جلد ۱۳ و ۱۴، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، تهران، ۱۳۵۰، صص ۲۲۳.
- ۳۳- جرفادقانی، پیشین، صص ۵۰-۵۱؛ همدانی، پیشین، ص ۲۹.
- ۳۴- ترکمنی آذر، پروین، دیلمیان در گستره تاریخ ایران (حکومت‌های محلی آل زیار و آل بویه)، سمت، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۲۷.
- ۳۵- ابن مسکویه، پیشین، ج ۶، ص ۴۸۴.
- ۳۶- ناجی، محمد رضا، فرهنگ و تمدن اسلام در قلمرو سامانیان، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶، صص ۲۶۶.
- ۳۷- بلودن، لیدی و دیگران، جنگ و اسلحه، ترجمه‌ی محمد نژد، پدیده، تهران، ۱۳۵۲، صص ۴۴.
- ۳۸- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶، صص ۳۷۷.
- ۳۹- شهبازی، شاپور علیرضا، ارتش در ایران باستان، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال ۱۰، ج ۲، ۱۳۷۵، صص ۳۲.
- ۴۰- پیرنیا، پیشین، صص ۳۹۴؛ جمشیدی، محمد حسین، مبانی تاریخ و اندیشه نظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانشکده فرماندهی ستاد، تهران، ۱۳۸۰، صص ۲۳۰-۲۳۲؛

- خلعتبری، اللهیار، کارکرد و نقش سیاسی و اجتماعی قلاع در تاریخ میانه ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۹.
- ۴۱- مینورسکی، پیشین، ص ۲۰۲.
- ۴۲- پرویز، عباس، از طاهریان تا مغول، جلد اول، شرکت مطبوعات، تهران، ۱۳۱۵، صص ۲۳۷-۲۳۸.
- ۴۳- پلودن و دیگران، پیشین، ص ۱۹.
- ۴۴- قائدان، علی اصغر، سازمان دهی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام از آغاز تا پایان عصر عباسی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۸۲، صص ۲۶۶-۲۶۸؛ امیر علی، پیشین، ص ۴۲۹.
- ۴۵- ققیهی، پیشین، ص ۱۵۹.
- ۴۶- فرای، پیشین، ص ۲۴۶؛ بختورتاش، نصرت ا...، تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان تا امروز)، بهجت، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰.
- ۴۷- شهبازی، پیشین، ص ۳۲؛ نفیسی، سعید، تاریخ تمدن ایران ساسانی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱، ص ۲۴.
- ۴۸- کاظمی شیرازی، محمد حسن، تاریخ جهان اسلام و روابط خارجی آن از آغاز تا امروز، انتشارات نوید، شیراز، ص ۷۸؛ خلعتبری، پیشین، ۱۳۷۱، ص ۶۵.
- ۴۹- ققیهی، پیشین، صص ۳۸۷-۳۸۶.
- ۵۰- ققیهی، علی اصغر، شاهنشاهی عضدالدوله، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۴۷، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.
- ۵۱- دینوری، ابن قتیه، عبدا... بن مسلم، امامت و سیاست (تاریخ خلفا)، ترجمه سید ناصر طباطبایی، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷.
- ۵۲- ققیهی، پیشین، ص ۲۳۲.
- ۵۳- اشپولر، پیشین، ص ۳۸۵؛ پلودن و دیگران، ص ۴۴.
- ۵۴- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۴، نگاه، تهران، ص ۷۵۹؛ ناجی، پیشین، ۱۳۸۲، ص ۲۷۱.
- ۵۵- راوندی، پیشین.

- ۵۶- میرخواند، پیشین، ج ۴، ص ۶۲۵
- ۵۷- اشبولر، پیشین، ص ۳۸۴
- ۵۸- فقیهی، پیشین، ص ۲۳۲
- ۵۹- پرویز، پیشین، ص ۲۰۸
- ۶۰- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، (بی تا)، حیب السیر فی اخبار البشر، جلد ۲، خیام، تهران، ص ۴۲۴؛ صاحبی نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدال...، تجارب السلف، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۴، صص ۲۱۵-۲۱۶
- ۶۱- فقیهی، پیشین، صص ۱۴۴-۱۴۵ و ۱۰۵
- ۶۲- فقیهی، پیشین، صص ۱۷۰-۱۷۱
- ۶۳- ابن مسکویه، پیشین ص ۱۱۰
- ۶۴- مسعودی، پیشین ص ۳۳۹
- ۶۵- ابن اثیر، پیشین، ج ۱۴، صص ۱۷۰-۱۷۱؛ ابن الجوزی، لابی الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد، (بی تا)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، جلد ۱۴، ۱۵ و ۱۶، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۱۴، صص ۴۷-۴۸.
- ۶۶- باسورث، پیشین، ۱۳۶.
- ۶۷- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (کشمکش با قدرت ها)، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵
- ۶۸- طهماسبی، ساسان، شاهینیان بطایح، فصلنامه تاریخ اسلام، ۶، ۲۱، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳.
- ۶۹- همدانی، پیشین، ص ۲۷.
- ۷۰- کرمانی، افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد، عقدا علی للموقف الاعلی، به تصحیح علی محمد عامری نائینی، مقدمه باستانی پاریزی، روزبهان، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵؛ کبیر، مفیز...، آل بویه در بغداد، ترجمه مهدی افشار، سمت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۶۸.
- ۷۱- کبیر، پیشین، ص ۷۷.
- ۷۲- فرای، پیشین، ۲۳۲-۲۳۳.
- ۷۳- کبیر، پیشین، ص ۷۷.

- ۷۴- کریمان، پیشین، ج ۲، صص ۱۶۴-۱۶۳.
- ۷۵- مستوفی، ۱۳۶۱، پیشین، صص ۴۲۰-۴۲۱؛ گیلانی، ملاشیخعلی، تاریخ مازندران، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲، ص ۷۷؛ عقلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام، آثار الوزراء، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷، ص ۱۹۹.
- ۷۶- جرفادقانی، پیشین، ص ۴۸.
- ۷۷- کبیر، پیشین، ص ۱۲۷.
- ۷۸- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود، تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپخانه ارمغان، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۰۹.
- ۷۹- ابن مسکویه، پیشین، ج ۵، ص ۳۸۰؛ ابن اثیر، پیشین، ج ۱۳، ص ۳۰۱.
- ۸۰- اشپولر، پیشین، ص ۳۹۶.
- ۸۱- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، جلد سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات، تهران، ۱۳۶۶، ص ۶۴۰.
- ۸۲- روشن ضمیر، مهدی، «اوضاع اجتماعی اصفهان در زمان آل بویه»، دانشکده ادبیات اصفهان، ۵، ۶، ۱۳۵۰، ص ۱۵۵.
- ۸۳- ترکمنی آذر، پیشین، ص ۲۲۰.
- ۸۴- متر، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رئسانس اسلامی)، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، جلد ۲، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۹۷.
- ۸۵- اشپولر، پیشین، ص ۳۸۰.
- ۸۶- طوسی، خواجه نظام الملک، سیاست نامه یا سیر الملوک، ترجمه‌ی جعفر شعار، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۳۱.
- ۸۷- فخر مدبر، محمد بن منصور بن سعید، آداب الحرب و الشجاعة، اقبال، تهران، ۱۳۴۶، ص ۲۹۰.
- ۸۸- فقیهی، پیشین، ص ۱۰۴.
- ۸۹- ابن مسکویه، پیشین، ج ۵، صص ۲۹۴-۲۹۵.
- ۹۰- ابن اثیر، ج ۱۴، ص ۲۸۸؛ ابن جوزی، ج ۱۴، ص ۴۳.

- ۹۱- حسيني ارموي، مير جلال الدين، تعليقات القضا، جلد اول، انجمن آثار ملي، تهران، ۱۳۵۸، ص ۵۹۲؛ ابادري، منيژه، «عصر عضد الدوله»، رشد آموزش تاريخ، ۴، ۱۱، ۱۳۸۲، ص ۲۵
- ۹۲- فقيهي، پيشين، ۲۴۲
- ۹۳- متر، پيشين، صص ۳۹-۴۰
- ۹۴- كبير، پيشين، ص ۹۰
- ۹۵- كبير، پيشين، صص ۲۱۶-۲۱۷
- ۹۶- كرم، ص ۱۳۷
- ۹۷- ابن خلدون، پيشين، ج ۳، ص ۶۵۲.
- ۹۸- مهري، مهرداد، «صاحب بن عباد وزير دانشمند فخر الدوله ديلمى»، هويخت، ۳۰، ۱۲، ۱۳۵۸، ص ۲۶.
- ۹۹- عقيلي، پيشين، صص ۱۹۸-۱۹۹؛ مستوفي، پيشين، ص ۴۲۰.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابادري، منيژه، «عصر عضد الدوله»، رشد آموزش تاريخ، ۴، ۱۱، ۲۴-۳۱، ۱۳۵۰.
- ۲- ابن اثير، عزالدين على، كامل (تاريخ بزرگ اسلام و ايران)، ترجمه عباس خليلي، جلد ۱۳ و ۱۴، شركت سهامی چاپ و انتشارات كتب ايران، تهران، ۱۳۵۰.
- ۳- ابن اسفنديار، بهاءالدوله محمد بن حسن، تاريخ طبرستان، به تصحيح عباس اقبال، جلد اول، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰.
- ۴- ابن العبري، غريغوريوس ابوالفرج امرن، ترجمه مختصر الدول، ترجمه محمد على تاج پور و حشمت... رياضی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴.
- ۵- ابن الجوزي، لابي الفرغ عبد الرحمن بن على بن محمد، المنتظم في تاريخ الملوك و الامم، جلد ۱۴، ۱۵ و ۱۶، دارالكتب العلميه، بيروت، بی تا.

- ۶- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر...، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، جلد سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶
- ۷- ابن طباطبای، محمدبن علی، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰
- ۸- ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمه‌ی علینقی منزوی، جلد ۵ و ۶، طوس، تهران، ۱۳۷۶
- ۹- اسعد گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، به اهتمام محمد جعفر محجوب، بنگاه نشر اندیشه، تهران، ۱۳۳۷
- ۱۰- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه‌ی جواد فلاطوری، (جلد اول) و جلد دوم، (ترجمه مریم میر احمدی)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۱- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالك الممالک، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸
- ۱۲- امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه‌ی فخرداعی گیلانی، گنجینه، تهران، ۱۴۰۱ ق
- ۱۳- باسورث، کلبفورد ادmond، تاریخ غزنویان، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶
- ۱۴- بناکتی، روضه اولی الالباب فی المعرفة التواریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۸
- ۱۵- بختورتاش، نصرت...، تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان تا امروز)، بهجت، تهران، ۱۳۸۳
- ۱۶- پرویز، عباس، از طاهریان تا مغول، جلد اول، شرکت مطبوعات، تهران، ۱۳۱۵
- ۱۷- پلودن، لیدی و دیگران، جنگ و اسلحه، ترجمه‌ی محمد نژد، پدیده، تهران، ۱۳۵۲
- ۱۸- پیرنیا، حسن، ایران باستان، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰
- ۱۹- ترکمنی آذر، پروین، دیلمیان در گستره تاریخ ایران (حکومت های محلی آل زیار و آل بویه)، سمت، تهران، ۱۳۸۴

- ۲۰- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر، ترجمه تاریخ یمینی، به اهتمام جعفر شعار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۵
- ۲۱- جمشیدی، محمد حسین، مبانی تاریخ و اندیشه نظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانشکده فرماندهی ستاد، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۲- حسینی ارموی، میر جلال الدین، تعلیقات النقض، جلد اول، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸
- ۲۳- خلعتبری، اللهیار، کارکرد و نقش سیاسی و اجتماعی قلاع در تاریخ میانه ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۲
- ۲۴- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، حبیب السیر فی اخبار البشر، جلد ۲، خیام، تهران، بی تا
- ۲۵- دینوری، ابن قتیبه، عبدا... بن مسلم، امامت و سیاست (تاریخ خلفا)، ترجمه سید ناصر طباطبایی، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۶- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۴، نگاه، تهران، ۱۳۸۲
- ۲۷- روشن ضمیر، مهدی، اوضاع اجتماعی اصفهان در زمان آل بویه، دانشکده ادبیات اصفهان، ۵، ۶، ۱۳۵۰.
- ۲۸- زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین الخیر، شیراز نامه، به کوشش دکتر اسماعیل واعظ جوادی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰
- ۲۹- زرین کوب، عبدالحسین تاریخ مردم ایران (کشمکش با قدرت ها)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱
- ۳۰- شهبازی، شاپور علیرضا، ارتش در ایران باستان، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۱۰، ج ۲، ۱۳۷۵
- ۳۱- صاحبی نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدا...، تجارب السلف، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۴

- ۳۲- طوسی، نظام الملک خواجه، سیاست نامه یا سیر الملوک، ترجمه‌ی جعفر شعار، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۸
- ۳۳- طهماسبی، ساسان، شاهینیان بطایح، فصلنامه تاریخ اسلام، ۶، ۲۱، ۱۳۸۴
- ۳۴- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام، آثار الوزراء، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷
- ۳۵- غفاری قزوینی، تاریخ جهان آرا، کتابفروشی حافظ، تهران، ۱۳۴۳
- ۳۶- فخر مدبر، محمد بن منصور بن سعید، آداب الحرب و الشجاعه، اقبال، تهران، ۱۳۴۶
- ۳۷- فرای، رن، تاریخ ایران کمبریج (از اسلام تا سلاجقه)، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد ۴، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳
- ۳۸- فقیهی، علی اصغر، شاهنشاهی عضدالدوله، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۴۷
- ۳۹- فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، صبا، گیلان، ۱۳۶۵
- ۴۰- قائدان، علی اصغر، سازمان دهی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام از آغاز تا پایان عصر عباسی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۸۲
- ۴۱- کاظمی شیرازی، محمد حسن، تاریخ جهان اسلام و روابط خارجی آن از آغاز تا امروز، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۱
- ۴۲- کبیر، مفیز...، آل بویه در بغداد، ترجمه‌ی مهدی افشار، سمت، تهران، ۱۳۸۱
- ۴۳- کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد احمد بن حامد، عقدا لعلی للموقف الاعلی، به تصحیح علی محمد عامری نائینی، مقدمه باستانی پاریزی، روزبهان، تهران، ۱۳۵۶
- ۴۴- کرمر، جونل، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه‌ی محمد سعید خنایی کاشانی مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵
- ۴۵- کریمان، حسین، ری باستان، جلد ۱، دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۴۵
- ۴۶- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود، تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپخانه ارمغان، تهران، ۱۳۶۳

- ۴۷- گمنام، **مجمّل التواریخ والقصص**، به تصحیح ملک الشعراء بهار و به همت محمد
رمضانی، چاپخانه خاور، تهران، ۱۳۱۸
- ۴۸- گمنام، **حدود العالم من المشرق الى المغرب**، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه
تهران، ۱۳۴۰
- ۴۹- گیرشمن، رومن، **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه‌ی محمد معین، انتشارات علمی و
فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶
- ۵۰- گیلانی، ملاشیخعلی، **تاریخ مازندران**، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد
فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲
- ۵۱- متر، آدام، **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رئسانس اسلامی)**، ترجمه‌ی
علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، جلد ۱ و ۲، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴
- ۵۲- مستوفی قزوینی حمدا...، **تاریخ گزیده**، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۱
- ۵۳- مستوفی قزوینی، حمدا...، **نزهت القلوب**، ترجمه‌ی محمد دبیر سیاقی، کتابخانه
طهوری، تهران، ۱۳۳۶
- ۵۴- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، **مروج الذهب و المعادن الجوهرة**، ترجمه‌ی
ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵
- ۵۵- مهرین، مهرداد، **صاحب بن عباد وزیر دانشمند فخر الدوله دیلمی**، موخت، ۳۰،
۱۳۵۸، ۱۲
- ۵۶- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی، **روضه الصفا، تهذیب و تلخیص عباس زریاب**،
انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۵
- ۵۷- مینورسکی، ولادیمیر، **فرمانروایی و قلمرو دیلمیان**، ترجمه‌ی جهانگیر قائم مقامی،
بررسی‌های تاریخی، ۲ و ۱، ۱۳۴۶
- ۵۸- ناجی، محمد رضا، **فرهنگ و تمدن اسلام در قلمرو سامانیان**، امیر کبیر، تهران،
۱۳۸۶
- ۵۹- نفیسی، سعید، **تاریخ تمدن ایران ساسانی**، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱

- ۶۰- همدانی، محمد بن عبدالملک، **تکمله تاریخ طبری**، قدم له و حقه، آلبرت یوسف کنعان، جلد اول، بیروت، ۱۹۶۱
- ۶۱- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله، **جامع التواریخ**، به اهتمام احمد آتش، جلد ۱، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲
- ۶۲- ولادیمیرونا، استرویالودمیلا، **تاریخ اسماعیلیان در ایران**، ترجمه پروین منزوی، اشاره، تهران، ۱۳۷۱